

بهترین چاره

شاید اغراق نباشد اگر بگوییم که از دوم خرداد ۷۶ در هیچ دوره‌ای تا به امروز پیشرفت اصلاحات تا به این حد موضوع تردید نبوده است. دلیل نیز فقط نمی‌توان در فشار مخالفان اصلاحات جستجو کرد چرا که این فشار تقریباً از فردای انتخاب خاتمی به مقام ریاست جمهوری وجود داشت و در برهه‌هایی بسی بیشتر از امروز نیز احساس می‌شد. دوران کشف عاملان قتل‌های زنجیره‌ای، روزهای متعاقب ۱۸ تیر، دوره تعطیلی گسترده مطبوعات و زندانی شدن‌های پی‌درپی و ترور حجاریان، همه و همه لحظات بسیار سختی در تاریخچه کوتاه اصلاح‌طلبی بوده‌اند. پس علت این تردید را باید در جای دیگر جستجو کرد. در این جستجو هر کسی از ظن خود مطالبی را بیان می‌کند و در این روند که بیشتر به نوعی درد دل کردن عمومی و فکر کردن با صدای بلند شبیه است، گاه مطالبی عنوان می‌شود که خواننده را به فکر وا می‌دارد: مقاله کوتاهی به قلم سینا مطلبی در حیات نو (جمعه ۲۳ آذر ۸۰) با عنوان «عباس عبدی تنها در خانه» از این دست مطالب است.

مقاله با توصیف کوتاهی از عملکرد سیاسی عبدی پس از انتخاب دوم خرداد شروع شده و موضع فعلی او را در باره راهی که اصلاح‌طلبان حکومتی باید در برابر وضعیت موجود اتخاذ کنند بازگو می‌کند. آمده است: «در میان همه

چهره‌های جبهه دوم خرداد عباس عبدی از معدود کسانی است که پس از انتخابات دوم خرداد با یاران چپ گرایش همراه نشد و به هیچیک از مناصب حکومتی بازنگشت. اکنون او در میانه یک بازی فرسایشی و بی‌نتیجه، دوستانش را نیز به بیرون زمین فرامی‌خواند تا دست کم تماشاگران را از کسالت برهاند». نویسنده مقاله سپس به عکس‌العملی که این موضع‌گیری میان اصلاح‌طلبان حکومتی و مخالفان اصلاحات برانگیخته است می‌پردازد. خلاصه خوبی است از مباحث و از وضعیت روز، اما در ادامه نکاتی یادآوری می‌شوند که هر کدام می‌توانند به صورت نمادین بیانگر یکی از علل تضعیف جنبش اصلاح‌طلبی به شمار آیند.

مطلبی می‌نویسد: «عبدی در موقعیت تنها و جدا افتاده‌ای است. او نه در میان محافظه‌کاران جایی دارد و نه می‌تواند به صف دگراندیشان بپیوندد». اینکه عبدی در میان محافظه‌کاران جایی نداشته باشد، چندان به ارائه دلیل احتیاج ندارد، اما این که چرا دگراندیشان او را در جمع خود نمی‌پذیرند را نویسنده به این صورت بازگو می‌کند: «آنان که مرزبندی‌های صریح و گاه مغرورانه‌اش را به یاد دارند، با رنگی از شک و بی‌اعتمادی به این چهره می‌نگرند. شهلا لاهیجی در مصاحبه با سید ابراهیم نبوی، این سخن را به عبدی یاد می‌آورد که گفته بود: «اصلاً خودتان را در جریانات بعد از دوم خرداد شریک ندانید». نویسنده مقاله سپس ارزیابی لاهیجی را از

رفتار برخی اصلاح‌طلبان را تکرار می‌کند. لاهیجی می‌گوید: «این تفکر می‌گوید دوم خرداد زاینده خود ماست و لقمه ماست و در سفره ماست و هرکس دستش را به این سفره دراز کند به دستش می‌زنیم». به راستی اگر این بیان حتی فقط بخش کوچکی از بینش اصلاح‌طلبان حکومتی باشد، آیا نمی‌بایست به هنگام جستجوی دلایل تضعیف حرکت اصلاح‌طلبی، انحصار طلبی یا دست‌کم ناتوانی اصلاح‌طلبان حکومتی را در گسترش دادن جمع خود به اصلاح‌طلبان غیرحکومتی همچون یکی از این دلایل بر شمرد؟ اینک اگر قول نویسنده مقاله «تنها در خانه» را بپذیریم، به نظر می‌رسد که این انحصار نه فقط دامنگیر دگراندیشان شده است، بلکه «خودی‌ها» را نیز شامل شده است. مطلبی می‌نویسد: «فاصله گذاری‌های عبدی تنها دگراندیشان را شامل نمی‌شود. ناملایمت یا اختلاف‌نظر او را بر آن می‌دارد تا دوستان پیشین خود را نیز ... بی‌نصیب نگذارد.



ابراهیم اصغرزاده که روزگاری به همراه عبدی از دیوار سفارت گذشت تا نام دانشجویان پیرو خط امام را در تاریخ سیاسی ایران ثبت کند، هنگامی که در سال ۸۰ روند اصلاحات را کند دانست و قصد رقابت با سید محمد خاتمی را عیان کرد، تندترین واکنش‌ها را از جانب کسی دید که ۴۴۴ روز جنجالی و هیجان‌انگیز را کنار او گذرانده بود. عبدی بعدها کوشید تا مخافت خود را به تاکتیکی در برابر شورای نگهبان تعبیر کند و آن را کوششی برای تایید صلاحیت اصغر زاده بداند. اما کمتر کسی این توجیه را به آسانی باور کرد. یک چنین رفتارهایی علاوه بر اینکه نشان می‌دهد تا چه حد هنوز ما از شفافیت در صحنه سیاسی ایران دور هستیم و تا چه حد حتی آنچه در مطبوعات به عنوان مسائل سیاسی پیش کشیده می‌شود با آنچه تعامل‌های سیاسی واقعا هستند فاصله دارد؛ بار اثبات می‌کند (اگر همچنان به اثبات احتیاج باشد) که اصلاح‌طلبان حکومتی تا چه حد هنوز از دلیل اصلی موفقیت خاتمی در دوم خرداد ناآگاهند. یعنی تا چه حد غافل از این واقعیت هستند که اگر آن پیروزی میسر شد، عمدتاً به این دلیل بود که خاتمی توانست با گفتار و با منش خویش به حاشیه رانده شده‌ها و در حاشیه مانده‌ها را به مشارکت مجدد در سیاست بکشاند. به عبارت دیگر آنچه مطلبی به عنوان نتیجه‌گیری نوشته‌اش در مورد تنها ماندن عباس عبدی در خانه آورده و در خطوط بعد یادآور می‌شویم شاید حکایت کل جنبش

اصلاح طلبی در کشور باشد. مطلبی می نویسد: «او که همواره از داوری صریح و بی گذشت درباره مخالفانش پروایی ندارد، هرگز به نقد عملکرد سابق خود راضی نشده است. عبدی کمتر می کوشد که نگاهش را از پیش رو برگردد و به پشت سرش نگاه بنگرد. اما سیاستمدار سرسخت و سخنران پر شور اصلاح طلبان اینک که چشم انداز مقابلش را بسته و مبهم می یابد، باید اندکی درنگ کند و به عقب نگاهی بیندازد. جایی که خود درهای عمیق حفر کرده است و پتانسیل کارآمدی از اصلاح طلبان، روشنفکران و دگراندیشان را به جا گذاشته است. اگر عبدی نگران کندی یا توقف روند اصلاحات است؛ شاید بهترین چاره ساختن پلی بر روی همین دره باشد». آیا این داوری در مورد کل حرکت صادق نیست؟

ع.ع

قانون جدید جلب و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی

سیاست‌ها، دستورالعمل‌ها و قوانین یک سال اخیر دولت همگی از رویکرد جدیدی به مقوله سرمایه‌گذاری خارجی حکایت دارند. شاخص‌ترین اقدامات دولت در این زمینه، ارائه لایحه قانونی جلب و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی است که کلیات آن در شور اول در شهریورماه ۱۳۷۹ از تصویب

مجلس شورای اسلامی گذشت. این قانون ابتدا در کمیسیون امور اقتصادی مجلس بین کارشناسان مجلس، دولت و کارشناسان بخش خصوصی و سپس در داخل و خارج کشور مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت و آنگاه از تصویب نهایی مجلس گذشت. البته پس از تصویب مجلس، این قانون با مخالفت شورای نگهبان مواجه شد. جالب این جاست که شورای نگهبان این قانون را دوبار رد کرده و به مجلس باز فرستاد، در حالی که پس از ارجاعیه اول اصلاحات مورد نظر با حضور نماینده شورای نگهبان صورت گرفته بود.

با این که به نظر می‌رسد این قانون در تنگنای سیاست‌های جناحی نهادهای حکومتی قرار گرفته است، معهذاً هنوز این امید باقی است که نهایتاً با اعمال یک رشته اصلاحات و در گفتگو بین مجلس و شورای نگهبان به تصویب نهایی برسد. به همین دلیل نیز لازم می‌بینیم که یکی از جوانب مهم این قانون جدید را مورد بحث قرار دهیم.

متن پیشنهادی قانون جدید سرمایه‌گذاری خارجی دارای مزیت‌های زیادی در مقایسه با قانون قبلی (مصوبه ۱۳۳۵) است. مهم‌ترین این مزیت‌ها آن است که قانون جدید به واقعیت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری جهان توجه کرده و از محدودیت‌هایی که قانون قبل به وجود آورده بود، کاسته است. به طور مثال قانون ۱۳۳۵ ضمانت از سرمایه‌گذاری را فقط در صنایع و معادن مورد توجه قرار داده بود، در حالی که قانون جدید به کلیه حوزه‌ها